

Social housing and immigrant squatters: the construction of the Kooy-e nohom-e aban in 1960s

Mohammad Javad Abdollahi*

Abstract

From the 1960s, squatter and informal settlements became one of the social problems of large cities, especially Tehran, due to the expansion of internal migration. Initially, the demolition of slums was the only planned policy of the government in the face of this social problem. Following the failure of these measures, an attempt was made to overcome this problem by building housing for slum dwellers. The construction of the Kooy-e nohom-e aban in 1965 for the slum dwellers was a considerable action of the government in the face of this problem in Tehran. However, shortly after the construction of the Kooy-e nohom-e aban, almost seventy percent of the slum dwellers had left these homes in the early 1970s. Despite the urgent need for adequate shelter, the question of the present article is why the residents of the Kooy-e nohom-e aban left their homes? The claim of the present article is that the incompatibility of these houses with the ways of earning their livelihood was the main reason for leaving the Kooy-e nohom-e aban. Therefore, the construction and housing of slum dwellers in the Kooy-e nohom-e aban was described first. Then the social and economic characteristics of its inhabitants were assessed. Finally, an attempt was made to reveal why the slum dwellers left the houses of the Kooy-e nohom-e aban.

Keywords: Urban immigrants, Immigrant squatters, Social Housing, Tehran, Kooy-e nohom-e aban.

* Assistant Prof. of History, National library and Archives of Iran. mj.abddi@gmail.com

Date received: 21 /01/ 2022, Date of acceptance: 02 /05/ 2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسکن اجتماعی و مهاجران زاغه‌نشین: تجربه احداث کوی نهم آبان تهران در دههٔ چهل شمسی

محمدجواد عبدالمهی*

چکیده

زاغه‌نشینی و اسکان غیر رسمی با گسترش مهاجرت‌های داخلی طی دههٔ چهل شمسی، به یکی از مشکلات اجتماعی اصلی شهرهای بزرگ و به ویژه تهران بدل شد. تخریب زاغه‌ها در ابتدا تنها سیاست دولت برای مواجهه با این مسئله اجتماعی بود. اما به دنبال عدم موفقیت این اقدامات، سعی شد تا با ساخت مسکن برای زاغه‌نشینان بر این مشکل غلبه شود. ساخت کوی مسکونی نهم آبان در سال ۱۳۴۴ در تهران مهم‌ترین اقدام دولت در این زمینه بود. با این حال، در فاصلهٔ کوتاهی پس از ساخت کوی، تقریباً هفتاد درصد از زاغه‌نشینان در اوایل دههٔ پنجاه شمسی اقدام به ترک این خانه‌ها کرده بودند. بنابراین، پرسش نوشته حاضر این است که چرا ساکنان کوی نهم آبان، با وجود نیاز شدید به داشتن مسکنی مناسب، اقدام به ترک خانه‌های خود در این کوی مسکونی کردند؟ مدعای نوشته حاضر این است که عدم تناسب این خانه‌ها با شیوه‌های کسب معاش زاغه‌نشینان اصلی‌ترین دلیل آن‌ها برای ترک کوی نهم آبان بود. بر این اساس، نخست نحوهٔ ساخت و اسکان زاغه‌نشینان در کوی نهم آبان شرح داده می‌شود. سپس مشخصات اجتماعی و اقتصادی ساکنان کوی بررسی خواهد شد و در آخر تلاش می‌شود نشان داده شود که چرا زاغه‌نشینان اقدام به ترک خانه‌های کوی نهم آبان کردند.

کلیدواژه‌ها: زاغه‌نشینی، مهاجران شهری، مسکن اجتماعی، تهران، کوی نهم آبان.

* استادیار تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران. mj.abddi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه^۱

سابقه اسکان غیر رسمی فقرای شهری در زاغه‌ها و آلونک‌ها به پیش از دههٔ چهل باز می‌گردد. نخستین زاغه‌ها، گودهای جنوب شهر تهران بودند که در نیمهٔ اول دههٔ بیست شمسی شکل گرفته و بر اثر گسترش محدودهٔ شهری به نزدیکی شهر ری انتقال یافته بودند. (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰) با این حال، پس از اصلاحات ارضی مهاجرت‌های داخلی در ایران شدت گرفت و مقصد مهاجران عمدتاً شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران بود. ناتوانی بسیاری از این مهاجران در یافتن کار مزدی و درآمد مناسب برای امرار معاش به پیدایش اشکال گوناگون اسکان مهاجران در محلات فقیرنشین شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران انجامید و اسکان غیررسمی و زاغه‌نشینی به شکل غالب سکونت فقرا و بیکاران و گروه‌های کم‌درآمد شهری در تهران تبدیل شد. وجود زمین‌هایی در حاشیه شهرها که صاحبان آن‌ها نمی‌توانستند زمینشان را به دلایلی از جمله کاربری کشاورزی در بازار رسمی زمین و مسکن به فروش برسانند و نیز زمین‌های رها شده، به‌ویژه زمین‌های تحت مالکیت نهادهای دولتی که توان نظارت دائمی بر آن‌ها را نداشتند، موجب شکل‌گیری بازار غیررسمی زمین و مسکن شده بود. در این شرایط، جمعیت زیادی از مهاجران با استفاده از این وضعیت از طریق خرید یا تصرف یک قطعه زمین در این مناطق برای خود سرپناهی دست و پا کرده و اجتماعات زاغه‌نشین متعددی در شهر تهران شکل گرفته بود. این مهاجران تهیدست در این زمین‌ها با همیاری یکدیگر با مواد و مصالحی از قبیل حلبی و چوب و حصیر و خشت و گل و لاستیک فرسوده واحدهای مسکونی محقری درست کرده و در آنجا ساکن می‌شدند. اجتماعاتی که در نتیجهٔ افزایش این واحدهای مسکونی به وجود می‌آمد، عموماً فاقد خدمات شهری لازم بودند. با این حال، واحد مسکونی که بدین شکل ساخته می‌شد، مهم‌ترین سرمایه این افراد به حساب می‌آمد و آن‌ها آماده بودند تا پای جان در حفظ آن بکوشند. (پیران، ۱۳۷۹: ۲۴۸-۲۴۹) به هر صورت، تقریباً تا سال ۱۳۴۵ آلونک‌های بهجت آباد در اراضی بایر شهر تهران در شمال شهر بوستان (پارک فعلی خیابان کریم خان و آپارتمان‌های آن) و بعد آلونک‌های منطقه جنوبی فرودگاه مهرآباد و حلبی‌آباد منطقه راه آهن (اسیرآباد) به همراه تعدادی حلبی‌آبادهای دیگر در داخل و نیز در خارج از محدوده شهری تهران پدید آمده بودند. (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۰)

با توجه به اینکه در دهه‌های بیست و سی شمسی تلاش دولت برای جلوگیری از مهاجرت مهاجران فقیر از طریق فرمانداری‌های محل به نتیجه محصلی نرسید (مالجو، ۷۸: ۱۴۰۰-۷۹)، تخریب بی‌وقفه زاغه‌ها و آلودگی‌ها اولین و اصلی‌ترین سیاست برنامه‌ریزی شده دولت طی دو دههٔ چهل و پنجاه شمسی در مواجهه با این مشکل بود. از سال ۱۳۴۵م با تصویب طرح جامع تهران و اصلاحاتی که در قانون شهرداری‌ها به تصویب رسید، خود شهرداری‌ها صلاحیت قانونی تخریب زاغه‌ها و آلودگی‌ها را کسب کردند. در اصلاحیه قانون شهرداری‌ها در این سال، طبق ماده ۹۹ به شهرداری‌ها اجازه داده شد که طبق طرح‌های هادی شهری، محدوده خدماتی و نیز محدودهٔ استحفاظی شهرها را مشخص کنند و طبق ماده ۱۰۰ شهرداری مجاز بود که چه در محدودهٔ خدماتی و چه در محدودهٔ استحفاظی شهرها در صورت مواجهه با اقدامات عمرانی و ساختمانی بدون پروانه، آن‌ها را تخریب کند. البته این اقدام می‌بایست با موافقت وزارت کشور صورت می‌پذیرفت. با وجود این، بعداً در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۵۳ این اختیار به وزارتخانهٔ مذکور واگذار شد. (اطهاری و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۵)

در این میان، در مواجهه با آلودگی‌نشینان و آلودگی‌نشینان، تنها استثنای قابل ذکر که می‌توان آن را در قالب نوعی طرح مسکن اجتماعی (social housing) صورت‌بندی کرد، ساخت کوی مسکونی کوی نهم آبان در سال ۱۳۴۴ از سوی دولت برای اسکان زاغه‌نشینان شهر تهران در این کوی بود که در آن در ازای تخریب آلودگی‌ها به هر خانوار آلودگی‌نشین یک واحد مسکونی در آن کوی داده شد. با این حال، در تحقیق رسمی که در دههٔ پنجاه از کلیه خانه‌های کوی نهم آبان صورت گرفت، مالکان اولیه تقریباً در ۷۰ درصد واحدهای مسکونی سکونت نداشتند. در واقع، بیشتر ساکنان کوی نهم آبان، خانه‌های جدید خود را رها ساخته و دوباره به آلودگی‌نشینان روی آورده بودند. (مشهودی، ۱۳۵۵: ۷) بنابراین، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چرا ساکنان کوی نهم آبان، با وجود نیاز شدید به مسکنی مناسب، اقدام به ترک خانه‌های این کوی کردند. با توجه به مقدمات بالا، در این نوشته سعی می‌شود ابتدا نحوه ساخت و اسکان زاغه‌نشینان در کوی نهم آبان شرح داده شود. سپس مشخصات اجتماعی و اقتصادی ساکنان کوی بررسی خواهد شد و در آخر تلاش می‌شود نشان داده شود که چرا زاغه‌نشینان اقدام به ترک خانه‌های کوی نهم آبان کردند.

باید توجه داشت که هرچند این کوی مسکونی بنا بر برخی ضرورت‌های اجتماعی موضوع چند تحقیق جامعه‌شناختی بوده، اما به پیشینه تاریخی کوی نهم آبان توجهی نشده است و نویسندگان این تحقیقات به اشاراتی کلی در این باره اکتفا کرده‌اند و وجه تاریخی این کوی مورد غفلت قرار گرفته است. (برای مثال، نک: طیبیان، ۱۳۷۶) و آخر اینکه کمبود اسناد درباره رفتار و نگرش‌های گروه‌های فرودست در گذشته، مهم‌ترین مانعی است که پژوهش‌هایی از این نوع با آن مواجه می‌شود. بنابراین، با در نظر گرفتن این موضوع، بازسازی رفتار و نگرش‌های ساکنین کوی نهم آبان در این نوشته مبتنی بر رویکرد جمعیت‌شناختی در تاریخ اجتماعی است. در واقع، در تاریخ اجتماعی زمانی که منابع و اسناد موجود به ما امکان بازسازی رفتار و نگرش‌های گروه‌های فرودست را به صورت فردی نمی‌دهد، راهبرد بدیل تلاش برای بازسازی رفتار آن‌ها به صورت گروهی از طریق بهره بردن از داده‌های جمعیت‌شناختی است که به صورت کمی جمع‌آوری شده‌اند. (Ginzburg, 2013: xx)

۲. ساخت کوی نهم آبان و اسکان آلونک‌نشینان

امروزه کوی مسکونی نهم آبان^۲ محله‌ای است در جنوب تهران که از شرق به بزرگراه شهید رجایی^۳، از غرب به زمین‌های روستای عظیم‌آباد، از شمال به بزرگراه آزادگان و از جنوب به زمین‌های روستای اندرمان محدود می‌شود. این کوی مسکونی در دههٔ چهل، محوطه‌ای به مساحت ۵۵۴ هزار مترمربع بود که ۵۴ درصد آن را واحدهای مسکونی و ۳۷ درصد آن را کوچه، خیابان، فضای سبز و مراکز خدمات شهری تشکیل می‌داد. واحدهای مسکونی آن یک طبقه و دارای دو اتاق بود که هر یک حیاط مستقلی داشتند. دو خط شرکت واحد نیز این محله را به راه آهن و شهر ری وصل می‌کرد. (مشهودی، ۱۳۵۵: ۳) همانطور که در بالا ذکر شد، هدف اصلی از احداث این کوی، اسکان آلونک‌نشینان تهران بود که بیشتر در مجاورت مناطق مرفه‌نشین این شهر اسکان گزیده بودند. زمان شروع احداث این کوی مسکونی در اسفندماه ۱۳۴۳ بود. در این ماه به دولت وقت مأموریت داده شد مکان مناسبی برای سکونت این دسته از مردم در نظر گرفته و نسبت به احداث خانه‌هایی مناسب این افراد اقدام کند. به دنبال آن وزارت آبادانی و مسکن مأمور انجام این دستور شد. اعتباری که برای احداث این کوی در نظر گرفته شده بود، هفتصد و بیست میلیون ریال بود که از محل

پذیره نفت جنوب تأمین می‌شد. قرارداد مربوط به این پذیره در حدود سه ماه قبل از شروع عملیات ساختمانی این کوی به وسیله دولت حسنعلی منصور منعقد شده بود. با اینکه انتخاب زمین و تهیه طرح شهرسازی و نقشه‌های اجرایی محله‌ای که مناسب با سکونت یک جمعیت بیست و پنج هزار نفری باشد، مستلزم چندین ماه وقت بود، مقدمات کار به سرعت در ظرف پانزده روز در اواخر اسفندماه ۱۳۴۳ انجام شد و فعالیت‌های ساختمانی از هجدهم فروردین ماه ۱۳۴۴ با ۵۰ نفر کارگر ساده در روز شروع شد. با توجه به اینکه بیشتر زمین‌ها کشاورزی و زیر کشت بودند، در اوایل کار فعالیت‌های ساختمانی محدود بود اما پس از برداشت محصول، دامنه عملیات تا آنجایی که امکان داشت، توسعه داده شد، به طوری که در مهرماه ۴۴ بیش از سه هزار نفر کارگر در کوی نهم آبان مشغول به کار بودند و در آن زمان یعنی در مدت هفت ماه از تاریخ شروع کار قسمت زیادی از کارهای ساختمانی این کوی انجام شده بود. (یزدی‌زاده، ۱۳۴۷: ۷۶-۷۸)

پس از بنای ساختمان‌های لازم در تاریخ نهم آبان ۱۳۴۴ کوی نهم آبان به صورت رسمی به وسیله محمدرضا شاه افتتاح و اولین گروه آلودنک‌نشین در دی ماه آن سال به این محل انتقال یافتند. در زمان افتتاح رسمی آن، ساخت تعداد ۱۵۰۰ دستگاه از حدود ۳۴۰۰ دستگاهی که قرار بود در این کوی ساخته شود به انجام رسیده بود و پایان عملیات ساختمانی آن تا سال ۴۶ طول کشید. تا این تاریخ آلودنک‌نشین‌های مناطق بهجت آباد، راه آهن، رودکی شمالی، حصیرآباد، جمشیدآباد، خیابان هاشمی، یوسف آباد و امجدیه به این کوی منتقل و در واحدهای مسکونی آن مستقر شدند. در سال ۴۸ نیز دویست و ده واحد مسکونی دیگر به این مجموعه اضافه شد که به آلودنک‌نشین‌های مهرآباد اختصاص یافت. (محققان آموزشگاه خدمات اجتماعی، ۱۳۴۵: ۴) نحوه واگذاری نیز به این صورت بود که تخریب هر آلودنک در حضور خود آلودنک‌نشینان و مأموران دولتی صورت‌جلسه می‌شد و مطابق با این صورت‌جلسه به هر خانوار آلودنک‌نشین یک واحد مسکونی در کوی نهم آبان واگذار می‌شد. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۹۵-۴۶۸۷) با آنکه وزارت آبادانی و مسکن مدعی بود که در مقابل تخریب هر آلودنک یک واحد مسکونی به ساکنان آن تحویل داده شده است، با این حال بودند زاغه‌نشینانی که با نوشتن عریضه به مجلس مدعی بودند خانه‌ای دریافت نکرده‌اند. (کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۷۲۵۲۰۱) به هر حال، واحدهای مسکونی در این دو نوبت به آلودنک‌نشینان واگذار شد. در نوبت اول قیمت تمام شده هر واحد مسکونی، نه هزار تومان (قیمت تمام شده هر متر مربع زیربنا

۱۵۰۰ ریال و مخارج تأسیسات آن شامل آب و برق و حیاط سازی و بهای زمین ۳۰۰۰۰۰ ریال) بود که با احتساب کارمزد به مبلغ ده هزار تومان به اقساط ماهانه پنجاه تومان و بدون پیش قسط به آلودگ‌نشینان واگذار شد. در نوبت دوم قیمت تمام شده دو هزار و ششصد تومان بیشتر از نوبت اول شد که آن‌ها را هم با همان شرایط واگذار کردند و در این مورد بهره محاسبه نشد. (یزدی‌زاده، ۱۳۴۷: ۱۳۴)

درباره ویژگی‌های این ساختمان‌ها باید گفت که تمام منازل یک‌شکل ساخته شده و هر کدام دارای ۸۴ متر عرصه و اعیان بودند که سطح زیربنای هر ساختمان ۴۰ متر مربع و سطح حیاط هر ساختمان ۴۴ متر مربع بود و از دو اتاق و آشپزخانه و توالت تشکیل شده بودند. چون اسکان هر خانواده در یک واحد بدون در نظر گرفتن تعداد افراد خانوار بود، در بعضی خانه‌ها بیش از ده نفر زندگی می‌کردند و در بعضی دیگر فقط دو نفر سکونت داشتند. جدای از این واحدهای مسکونی، به مرور تسهیلات و مؤسسات مختلفی مانند چهار دبستان و دو دبیرستان و یک مهد کودک و دو حمام عمومی (زنانه و مردانه) و یک حمام خصوصی و یک مسجد و یک رختشویی و شعب ادارات دولتی نظیر شهرداری، ژاندارمری، پست و تلگراف و تلفن، اداره ثبت و آمار، درمانگاه شیر و خورشید سرخ، یک مرکز مبارزه با تراخم و واکسیناسیون وابسته به بهداری استان و همچنین شعبه ای از اندرزگاه وزارت کار و سازمان اوقاف نیز در این کوی به وجود آمد. (محققان آموزشگاه خدمات اجتماعی، ۱۳۴۵: چهارشش)

البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که تمام جمعیت ساکن در این کوی قبل از اسکان در این محل آلودگ‌نشین نبودند. به نظر برای ایجاد نوعی تلفیق طبقاتی، تعدادی از خانه‌ها به شرح زیر به کارمندان کشوری و لشکری واگذار شده بود. ۱۰۰ دستگاه به درجه‌داران سازمان ژاندارمری، ۱۰۰ دستگاه به درجه‌داران شهربانی کل کشور، ۳۰۰ دستگاه به افراد شاغل در راه آهن، ۱۰۰ دستگاه به درجه‌داران لشکر گارد، ۱۰۰ دستگاه به مستخدمین افراد شاغل در وزارت آبادانی و مسکن، ۵۰ دستگاه به معلمان و کارکنان اداره فرهنگ ناحیه و ۱۰۰ دستگاه به افراد متفرقه. بنابراین، در مجموع هشتصد و پنجاه دستگاه از تقریباً ۳۴۳۱ دستگاه خانه‌های موجود در کوی به افراد غیرآلودگ‌نشین واگذار شده بود و تقریباً نزدیک به یک چهارم افراد ساکن این کوی غیرآلودگ‌نشین بودند. (یزدی‌زاده، ۱۳۴۷: ۸۱-۸۲)

۳. فرار آلونک‌نشینان از کوی نهم آبان و مواجهه دولت با آن

مطابق آمارها مردم در شهرهای بزرگ به‌طور میانگین بین ۲۰ تا ۵۰ درصد درآمد خود را صرف هزینه مسکن می‌کردند و این هزینه یکی از مهم‌ترین عواملی بود که در توزیع دوباره درآمد به زیان گروه‌های کم درآمد تأثیر داشت. بنابراین، اگر آن‌ها موفق به حذف اجاره از سبد هزینه خانوار می‌شدند، نه تنها می‌توانستند از فقر مطلق که تا حدی و حداقل در رابطه با برخی اقلام مصرفی از فقر نسبی نیز فاصله بگیرند. از این رو، تمامی مهاجران و گروه‌های کم درآمد شهری، با توجه به نبود امنیت شغلی و محدودیت درآمد، پیوسته در تلاش بودند تا اجاره‌بها را که مهم‌ترین رقم سبد هزینه خانوار بود، به شکلی حذف کرده و به هر نحوی سرپناهی پیدا کنند. (پیران، ۱۳۷۹: ۲۴۸-۲۴۹) با این حال، همانطور که در مقدمه ذکر شد، در تحقیقی که در دهه پنجاه شمسی بر طبق بررسی پرسشنامه‌ها و آمارهای دفتر سازمان مسکن محل از کلیه خانه‌های کوی نهم آبان صورت گرفت، بیش از دو هزار مالک، واحد مسکونی خود را به شکل وکالتی به افراد جدیدی واگذار کرده بودند و سیصد و پنجاه دستگاه پس از تسویه حساب به نفرات جدید فروخته شده بود. این انتقال اغلب بیش از یک بار صورت گرفته بود. افزون بر این، درصدی هم واحدهای خود را به شکل اجاره به نفرات جدید منتقل کرده بودند. مطابق با نتایج این تحقیق، به‌طور کلی تقریباً در ۷۰ درصد واحدهای مسکونی دیگر مالکان اولیه سکونت نداشتند. (مشهودی، ۱۳۵۵: ۷) باید این نکته را نیز در نظر گرفت که هیچ تمهید قانونی نیز برای جلوگیری از فروش این خانه‌ها پیش‌بینی نشده بود و افراد بعد از آنکه از طریق وکالت این خانه‌ها را از ساکنین کوی نهم آبان خریداری می‌کردند با اتمام پرداخت اقساط منزل از طریق مکاتبه با سازمان مسکن می‌توانستند اسناد این خانه‌ها را به نام خود کنند. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۹۵-۴۶۸۸)

بدین ترتیب، حال باید به این پرسش جواب داد که چرا زاغه‌نشینان اقدام به ترک خانه‌های کوی نهم آبان کردند. از افتتاح کوی نهم آبان به دست محمدرضا پهلوی تا بازدیدهای مکرر بالاترین مسئولان دولتی از روند اسکان زاغه‌نشینان در کوی مشخص بود که این پروژه از نگاه دولت چه جایگاه مهمی در حل مشکل اسکان غیر رسمی دارد. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۸-۲۵-۸۳۰) بنابراین، خود دولت به عنوان نهاد اصلی مسئول در این طرح جوابی را برای پرسش بالا صورت‌بندی کرد که این پاسخ به نوعی چارچوب

سیاست دولت در مواجهه با زاغه‌نشینی و زاغه‌نشینان را در دهه پنجاه شمسی مشخص کرد. رئوس کلی پاسخ دولت در مقاله‌ای آمده است که در اصل در مجله تلاش که تحت حمایت دولت بود، انتشار یافته بود و در مجله *خوندانیه* در سال ۱۳۵۵ بازچاپ شده بود. همان‌طور که برخی محققان متذکر شده‌اند، این مقاله احتمالاً نمایانگر نگرش بیشتر مقامات رده بالای دولتی به مسئله زاغه‌نشینان است. (Kazemi, 1980, 146) به زعم نویسنده مقاله، حاشیه‌نشینان با آنکه در آغاز از این نحوه زیست بسیار متنفرند، ولی «با گذشت زمان به تدریج با آن خو می‌گیرند و اندک اندک قشر اجتماعی ویژه‌ای با عادات و رفتار خاص پدید می‌آورند که به آسانی حاضر به رهایی از آن نیستند». نویسنده مقاله در ادامه با اشاره ضمنی به ساخت کوی نهم آبان چنین می‌نویسد: «تجربه ثابت کرده است که گروهی از حاشیه‌نشینان حتی پس از اینکه در اثر اقدامات دولت دارای مسکن شده‌اند خانه خود را فروخته و مجدداً حاشیه‌نشینی را برگزیده و از این رهگذر حتی سودی هم برده‌اند. حتی گاهی حاشیه‌نشینان به صورت ابزار دست زمین‌خواران درآمد و در سایه این گروه لنگ لنگان قدمی برداشته و برای رسیدن به پولی بادآورده از هرگونه اغتشاش در نظام شهری فروگذاری نکرده‌اند». و در ادامه با اشاره به اینکه در میان حاشیه‌نشینان خانوارهای پرجمعیت سلطه دارند و «سطح بیکاری یا بهتر بگوییم بیکارگی، یا داشتن کارهای غیر مولد بسیار بالاست» چنین نتیجه می‌گرفت که

در این جامعه‌ها اغلب سطح اخلاق و ایمان و اعتقاد بسیار پایین است و در نتیجه کمتر روح تعاون در میان آن‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این تحقیر شهرنشینان در آن‌ها نوعی عقده‌های اجتماعی را ایجاد کرده و در نتیجه آمادگی آنان برای ارتکاب انواع جرائم و انحرافات زیاد است. (یزدانی، ۱۳۵۵: ۳۶-۳۹)

به تعبیر ساده‌تر، نویسنده با توسل جستن به مفهوم فرهنگ فقر در میان آلونک‌نشینان، معتقد است که الگوهای فرهنگی این گروه‌های فقیر شهری است که مانع از بهبود شرایط زندگی آن‌ها می‌شود. بر طبق مفهوم فرهنگ فقر الگوی فرهنگی این گروه‌های اجتماعی متفاوت از فرهنگ عمومی جامعه بود و نه لزوماً محرومیت اقتصادی، بلکه شیوه زندگی و منش و خلق و خوی خاص آن‌ها بود که مانع از رهایی آن‌ها از چنگ فقر و ادغام درست آن‌ها در جامعه می‌شد. (لویس، ۱۳۵۳: ۱۲۵) این در حالی بود که تحقیقات تجربی در تهران، برخلاف این تصور رسمی، حکایت از آن داشت که مشاغل ناسالمی همچون

تکدی‌گری، فروش مواد مخدر و روسپی‌گری بخش ناچیزی از فعالیت‌های این گروه‌های اجتماعی تهران تشکیل می‌داد. (بیات، ۱۳۹۱: ۶۶)

همان‌طور که در بالا گفته شد، نحوه مواجهه دولت با آلودگ‌نشینان بعد از شکست طرح کوی نهم آبان دلیل دیگری بر وجود چنین نگاهی در میان مقامات دولتی است. در واقع، این تفسیر دولت از شکست طرح کوی نهم آبان، زمینه را برای شدت بخشیدن به تخریب دوباره محلات آلودگ‌نشینان در تهران فراهم کرد. شهردار تهران در نامه‌ای که در اسفند ۱۳۴۸ به ارتشبد اویسی، فرمانده ژاندارمری کل کشور، ارسال کرد، با اشاره به نامه وزارت آبادانی و مسکن درباره اینکه عده‌ای از آلودگ‌نشینان فعلی شرق مهرآباد همان کسانی هستند که در کوی نهم آبان برای آن‌ها خانه ساخته شده، با پیشنهاد آن وزارتخانه برای دادن حتی چادر به آن‌ها مخالفت می‌کرد، چون معتقد بود به تدریج شهری از چادر در حوالی تهران ساخته و محل بازدید خارجیان واقع خواهد شد و در ادامه پیشنهاد می‌داد که تعدادی نیروی نظامی در اختیار شهرداری پایتخت گذاشته شود و تعهد می‌کرد که با این نیروها جلو آلودگ‌نشینی را گرفته و ضمناً «مسپیل‌های شهر را در داخل محدوده خدمات فعلی و خارج از آن تا سرحد محدوده ۲۵ ساله» حفظ خواهد کرد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۷۲) در واقع دامن زدن به فرهنگ فقر در میان آلودگ‌نشینان از سال ۱۳۴۸ به بعد، به نوعی تخریب آلودگ‌ها و زاغه‌ها را معقول جلوه می‌داد. از سال ۱۳۵۳ نیز با افزایش قیمت نفت و رونق اقتصادی که به دنبال آن آمد، دور جدید تخریب آلودگ‌ها در تهران آغاز شد و تا تابستان و پاییز ۱۳۵۶ مناطق مسکونی تصرف شده، به صحنه نبرد هر روزه جوخه‌های ویران‌سازی شهرداری و آلودگ‌نشینان تبدیل شد. (بیات، ۱۳۹۱: ۹۱) با این حال، اگر این تفسیر اخلاقی از ترک کوی نهم آبان به وسیله آلودگ‌نشینان را نادیده بگیریم و به زندگی اقتصادی و وضعیت معیشت و امرار معاش آن‌ها قبل و بعد از اسکان در کوی نهم آبان توجه کنیم، منطقی خود این آلودگ‌نشینان در ترک این کوی مسکونی آشکار خواهد شد. منطقی که در تضاد با تفسیر رسمی دولت از این موضوع است.

۴. وضعیت معیشت ساکنین کوی نهم آبان قبل و بعد از اسکان در کوی

درباره وضعیت اشتغال و درآمد آلودگ‌نشینان پیش از اسکان در کوی نهم آبان به تفکیک هر محله زاغه‌نشین در تهران، اطلاعاتی در دست نیست. تنها موردی که از آن می‌توان

چنین اطلاعاتی را به دست آورد، تحقیقی است که در سال ۴۸ درباره آلودگی‌نشینان شرق فرودگاه مهرآباد انجام گرفته است. همانطور که پیشتر گفته شد، آلودگی‌نشینان مهرآباد آخرین گروهی بودند که در همین سال ۱۳۴۸ به کوی نهم آبان انتقال یافتند. مطابق با نتایج این تحقیق، تنها ۲۱/۴ درصد از آلودگی‌نشینان شرق فرودگاه مهرآباد کارگر کارخانه‌ها و شرکت‌های عمومی و دولتی بودند و ۷۸/۶ درصد بقیه، کارگران ساده و دوره‌گردی بودند که به کارهایی همچون مستخدمی منازل، کار در کافه‌ها، بنایی و لوله‌کشی اشتغال داشتند. و غیر از کارگران مؤسسات و کارخانه‌های دولتی، بقیه آلودگی‌نشینان ۸ تا ۱۲ روز را در ماه بیکار بوده‌اند و متوسط دریافتی آن‌ها مبلغ ناچیز ۱۰۰-۵۰ ریال بوده است. اگر همین نمونه را معیار قرار دهیم، همان‌طور که دیده می‌شود، بیشتر آلودگی‌نشینانی که به کوی نهم آبان انتقال یافته‌اند کارگران فصلی هستند که درآمد آن‌ها کفاف معیشت‌شان را نمی‌داده است. (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۷۲) جدای از این، از تحقیقاتی که در بدو ورود آلودگی‌نشینان به کوی در مورد آن‌ها انجام شده، نتایج زیر به دست آمده است. از تمام جامعه مورد بحث ۲۳ درصد شاغل و باقی آن‌ها شامل ۳۵ درصد بیکار، ۲۳ درصد دانش‌آموز و ۱۸ درصد خانه‌دار بوده‌اند. از ۶۱۶ شغل نمونه‌برداری شده ۱۶/۵ درصد کارگر ماهر، ۶ درصد کارگر نیمه-ماهر، ۳۴ درصد کارگر ساده، ۲۷ درصد خدمتکار و ۱۰ درصد دارای مشاغل آزاد نظیر دست‌فروشی و ۶/۵ درصد کارمند جزء بوده‌اند. به طور کلی نیز ۷۹ درصد شاغلان و ۵۷ درصد بیکاران مذکور بوده‌اند و در مجموع ۶۱ درصد شاغلان را کارگر ساده و خدمتکار تشکیل می‌داده است. این تحقیق نیز نشان می‌دهد که آلودگی‌نشینان عمدتاً دارای مشاغل فصلی همچون آب‌حوضی، برف‌پاروکنی، فرش‌تکانی و ماشین‌شویی بوده‌اند. نکته مهم‌تر اینکه بررسی نقاط شهری که آلودگی‌نشینان در آن سکونت داشته‌اند نشان می‌دهد که امکان این کارهای فصلی از قبیل آب‌حوض‌کشی، رختشویی، عملگری، باربری، بلیط‌فروشی، دست‌فروشی و غیره به واسطه محلی که آلودگی‌های آن‌ها در آنجا قرار داشته است، ممکن می‌شده است. از طرف دیگر دسترسی در این نقاط به مراکز کاری دیگر بسیار آسان بوده و امکان گرفتن کمک‌های نقدی و جنسی از قبیل غذا و پوشاک از افراد مرفهی که در جوار آنان زندگی می‌کردند وجود داشته و برای زنان زاغه‌نشین نیز امکان کار در منازل خانواده‌های مرفه شهری به عنوان خدمتکار، رختشوی و مشاغلی از این قبیل بسیار زیاد بوده است. (پاکدامن، ۱۳۵۳: ۱۶)

باید توجه داشت که در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی پوشش محدود بیمه‌های اجتماعی دو گروه متفاوت از کارگران را به وجود آورده بود. کارگران بخش رسمی که از مزایای بازار رسمی کار نظیر ثبات شغلی، حقوق بازنشستگی، تسهیلات درمانی و غیره برخوردار بود و کارگران خارج از بخش رسمی که در زمره فقیرترین گروه‌های جامعه شهری قرار می‌گرفتند و فاقد چنین حمایت‌هایی بودند. (خاتم و همکاران، ۱۳۷۷: ۲۷) از این رو، در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی نظامی برای بیمه اجتماعی و بهداشت وجود داشت که مزدبگیران رسمی در کسب و کارهای بزرگ و کارگران بخش دولتی، نظامی و نفت و گاز و سایر بخش‌های دولتی را زیر پوشش خود برده بود. اما بخش گسترده روستایی که تقریباً ۵۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌داد و همچنین جمعیت رو به رشد کارگران غیر رسمی که از دهه ۱۳۳۰ به این سو به شهرها کوچ کرده بودند در این نظام جایی نداشتند. در واقع، همچون اکثر دولت‌های توسعه‌گرا در این زمان، اولویت نظام رفاهی که حکومت پهلوی ایجاد کرد کارکنان دولت، کارگران صنایع بزرگ و نهایتاً شهرنشینان بود. (هریس، ۱۳۹۸: ۱۳۱) از طرف دیگر، دوری تهران از شهرها و روستاهای زادگاه آلونک‌نشینان باعث شده بود تا آن‌ها احتمالاً شبکه خویشاوندی را که پیش از مهاجرت داشته‌اند، در تهران از دست بدهند. بنابراین، امرار معاش این آلونک‌نشینان تماماً به این شغل‌های فصلی و درآمد ناچیزی که از آن به دست می‌آورده‌اند و کمک‌های جنسی ساکنان مرفه مجاور آن‌ها وابسته بود و عمدتاً به این شکل وضع اقتصادی آن‌ها به طریقی تأمین می‌شد. بنابراین، با چنین وضعیت شغلی و درآمدی شکننده‌ای بود که آلونک‌نشینان در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ در کوی نهم آبان اسکان یافتند.

با این حال، با وجود این شرایط شکننده به لحاظ اقتصادی، به هنگام اسکان آلونک‌نشینان در کوی نهم آبان، تنها امکان شغلی که برای ساکنان کوی تدارک دیده شده بود، تعداد معدودی مغازه بود که بنا بود سازمان مسکن به چند نفر از مغازه‌داران حصیرآباد تحویل دهد که مغازه‌های آن‌ها همراه با زاغه‌های زاغه‌نشینان خراب شده بود. برای اشخاص دیگری نیز که متقاضی دریافت مغازه در کوی نهم آبان بودند سازمان مسکن مقرر کرده بود حداقل چهل درصد بهای تعیین شده از طرف کارشناس رسمی دادگستری نقداً دریافت و ۶۰ درصد بقیه با بهره هشت درصد حداکثر در ظرف مدت پنج سال به اقساط ماهیانه وصول شود. باید در نظر داشت که این مغازه‌ها فاقد آب و برق بودند و تأمین آب و برق برای آن‌ها مستلزم هزینه‌های اضافی دیگری نیز بود. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی

ایران، ۳۹۰۹-۳۹۵) وقتی که خود کسبه و دکان‌داران کوی حصیر آباد از پرداخت این رقم ناتوان بودند و تقاضا داشتند که وزارت آبادانی و مسکن مغازه‌های مورد بحث را با اجاره مناسب‌تری به آن‌ها واگذار کنند، طبیعی بود که چنین امکانی برای خود آلودکن‌نشینان فراهم نباشد. در واقع، حتی پرداخت ماهانه ۵۰۰ ریال قسط واحد مسکونی خارج از توان بسیاری از آلودکن‌نشینان بود و آن‌ها خواستار دریافت تخفیف در این باره بودند. (کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۷۲۵۲۰۱) بنابراین، در چنین شرایطی این مغازه‌ها نیز به سرنوشت خانه‌های کوی نهم آبان دچار شدند و افرادی که وضعیت مالی بهتری داشتند این مغازه‌ها را در سال‌های بعد از صاحبان اولیه آن‌ها خریداری کردند. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۹۱۰-۳۹۵) از طرف دیگر از ابتکارات خود اهالی برای کسب درآمد نیز جلوگیری به عمل می‌آمد. در هر کوچه نهم آبان آلودکن‌نشینان در یک منزل اتاقی را به مغازه‌ای تبدیل کرده بودند که شبیه به سوپرمارکت کوچک بود و از قرص آسپرین و سیگار تانان و میوه و قند و شکر به فروش در آن به فروش می‌رسید. اما به دلیل نداشتن مجوزهای رسمی از این عمل آلودکن‌نشینان هم جلوگیری به عمل آمد. (اندیشه و خطیر، ۱۳۵۲: ۱۳)

بنابراین، در این کوی محلی برای اشتغال به کار وجود نداشت و افراد می‌بایستی به جستجوی کار در مؤسسات موجود در شهر می‌پرداختند. اما تغییر محل سکونت امرارمعاش آن‌ها را سخت‌تر از قبل کرده و آن‌ها را با مشکلات جدیدی مواجه کرده بود. به علت دوری از شهر و نبودن وسایل نقلیه کافی آن‌ها قادر نبودند که اگر هم شغلی در مؤسسه‌ای پیدا کنند، هر روز در ساعت مقرر به محل کار حاضر شوند. از طرف دیگر، در دهه چهل این کوی فاقد برق و روشنایی مناسب بود و دور شدن آن‌ها از محل زندگی برای یافتن کار را دشوار می‌کرد. در صورت تقاضای انشعاب برق نیز هزینه‌ای به هزینه‌های بسیار آن‌ها اضافه می‌شد. از این رو، از همان ابتدا این مسئله به نارضایتی اصلی آلودکن‌نشین‌ها بدل شده بود. آن‌ها در همان ابتدا به کارکنان سازمان مسکن گفته بودند:

اینجا به شهر و به کار ما خیلی دور است. هیچ وسیله رفت و آمد نداریم. زن‌های ما در خانه‌های دور و بر رختشویی و کار می‌کردند. خانه‌های دور و بر هر شب خدا مهمانی داشتند و خوراکی‌های زیادشان را به ما می‌دادند. (جوادی، ۱۳۷۴: ۱۲۶)

بنابراین با اسکان در کوی بسیاری از امکان‌های شغلی آلونک‌نشینان از دست رفت و امکان کمک‌های پولی و غیر پولی مختلف از آن‌ها سلب شده بود.

از معدود اطلاعاتی که درباره وضعیت معیشتی آلونک‌نشینان در طول اسکان در کوی نهم آبان در دست است، می‌توان به این اشاره کرد که درآمد متوسط روزانه شاغلان جامعه مورد بحث یک سال بعد از انتقال به کوی در سال ۱۳۴۵ به شرح زیر بوده است: ۸۰ درصد درآمد سرانه‌ای معادل روزی ۱۰ تا ۳۰ ریال داشته‌اند، یعنی ماهانه ۱۵۰ تا ۴۵۰ تومان درآمد یکی خانوار بوده است، ۶ درصد درآمد سرانه‌ای معادل روزی ۳۱ تا ۴۱ ریال داشته‌اند و به طور کلی اکثریت یعنی ۳۷/۶ درصد آمد سرانه‌ای معادل ۱۱ تا ۲۰ ریال داشته‌اند. (مشهودی، ۱۳۵۵: ۵-۶) اگر بتوانیم نتایج تحقیقی را که سه سال بعد درباره آلونک‌نشینان مهرآباد صورت گرفته است، و در بالا به آن اشاره شد، مبنای قرار دهیم (درآمد سرانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ ریال در روز)، بنابراین بعد از اسکان در کوی درآمد سرانه آن‌ها شدیداً کاهش یافته بود. از این رو، با توجه به متوسط تعداد افراد خانوار در کوی نهم آبان که ۶ نفر بوده، این درآمد به هیچ وجه کفاف مخارج زندگی خانواده‌ها را نمی‌داده است. همانطور که بیشتر اشاره شد، تعداد بیکاران در بین زنان نیز که بیشتر خدمتگذار خانه‌های اطراف بودند عمدتاً در اثر بعد مسافت تا مناطق شمالی شهر، (مسافتی بین ۱۲ تا ۱۶ کیلومتر)، افزایش بیشتری یافته بود، به‌ویژه که علاوه بر وجود مسائل و مشکلاتی نظیر محافظت از کودکان در غیاب مادر، پرداخت هشت تا دوازده ریال هزینه ایاب و ذهاب و صرف حدود سه ساعت وقت در این مورد امکان رفت و آمد زنان را به نقاط شمال شهر محدود کرده و این امر به شدت در معیشت خانواده‌ها تأثیر گذاشته بود. (یزدی‌زاده، ۱۳۴۷: ۱۲۷)

بنابراین، انتقال خانواده‌های آلونک‌نشین به کوی نهم آبان مسئله مسکن را برای آنان حل کرد ولی مسئله تأمین معاش آن‌ها نه تنها حل نشد که در قیاس با قبل، به شرحی که در بالا آمد، شدت نیز یافت. زندگی تازه از یک طرف آلونک‌نشین‌ها را با هزینه‌های جدیدی از قبیل آب‌بها، بهای برق، کرایه منزل (قسط)، عوارض شهرداری و هزینه ایاب و ذهاب مواجه کرده بود. برای مثال، اقساط منزل آن‌ها تا شانزده سال پس از اسکان آن‌ها در کوی به طول می‌انجامید. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۴۶۸۹-۳۹۵) از طرف دیگر، قیمت واحدهای مسکونی که در آن ساکن بودند به سرعت افزایش می‌یافت.

۵. فروش مسکن بدیلی برای امرار معاش

همان‌طور که در بالا اشاره شد، در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ هر واحد مسکونی در آن کوی به قیمت ده هزار تومان به اقساط ماهانه پنجاه تومان و بدون پیش قسط به زاغه‌نشینان - ها واگذار شده بود. اما هر ساله بر قیمت این خانه‌ها افزوده می‌شد. مطابق آمارهای موجود، در سال ۵۰ قیمت خانه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان و در سال ۱۳۵۵ ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شد. بنابراین، بین درآمد و ارزش محل سکونت ساکنان کوی نهم آبان تناسبی وجود نداشت. این ارزش بالاتر از حد طبیعی محل مسکونی به محرکی بدل شده بود تا آلونک‌نشینان آن را صرف وسایل ضروری‌تری خود بکنند. بدین خاطر تعدادی از خانواده‌ها در نتیجه عدم وجود شرایط مناسب اجتماعی و اقتصادی، مدتی پس از انتقال به این محل با دریافت هزار تا دو هزار تومان خانه را به صورت وکالتی به دیگران انتقال دادند و در اوایل دهه پنجاه تخمین زده می‌شد که قسمت اعظم ساکنان کوی نهم آبان در زمرة خریداران دست دوم خانه‌ها باشند. (مشهودی، ۱۳۵۵: ۶) درباره خانه‌هایی که به صورت اجاره به دیگران واگذار شدند، در مورد رقم اجاره اطلاعاتی در دست نیست.

البته باید توجه داشت که صرفاً آلونک‌نشینان اقدام به ترک کوی نکردند. تعداد معدودی از کارکنان کشوری و لشکری نیز که فضای کوچک منازل و طبقه اجتماعی ساکن در این محل را مناسب شرایط زندگی خود تشخیص نمی‌دادند و گروه ناچیزی که به مشاغل غیر قانونی اشتغال داشتند و محیط شلوغ و باز شهر را از محیط بسته کوی مزبور برای فعالیت‌های خود مناسب‌تر می‌دانستند، اقدام به ترک کوی کرده بودند. با این حال، همان‌طور که شرح داده شد، اکثر کسانی که کوی را ترک کرده، آلونک‌نشینان بودند و دلایل آن‌ها برای ترک کوی کاملاً متفاوت با دو گروه بالا بود. آلونک‌نشینان بدین دلیل که در اثر بعد مسافت تا نقاط کار، امکان کسب درآمد برای آنان وجود نداشت به ناچار به مناطق دیگری نزدیک به شهر نقل مکان کردند و دریافت مبلغ ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان از خریداران دست دوم آنان را به این امر تشویق می‌کرد. (یزدی‌زاده، ۱۳۴۷: ۱۲۹) تحقیقی که در بالا به آن اشاره شد با مقایسه مشاغل ساکنان جدید کوی و افراد اولیه، نشان می‌داد که قشر بالاتری از نظر شغل و درآمد به جای قشر اولیه که بیشتر شامل افرادی با شغل‌های فصلی نظیر دستفروش و غیره بوده‌اند، در این کوی ساکن شده بودند. درصد بالایی از ساکنان بعدی شامل کارمندان جزء دولتی و صاحبان مشاغل دیگری نظیر رانندگان بودند. (مشهودی، ۱۳۵۵: ۸)

مورد آموزگاران ساکن در کوی نهم آبان به خوبی رابطه درآمد ثابت با تمایل به ماندن در کوی نهم آبان را نشان می‌دهد. به هنگام تأسیس کوی، پنج دستگاه از خانه‌های کوی نهم آبان را اداره آموزش و پرورش شهری جهت سکونت به آموزگاران واگذار کرده بود که در آن کوی به تدریس مشغول بودند. پس از اتمام قرارداد و انجام یک سلسله اقدامات قانونی، سازمان مسکن به دنبال پس گرفتن این واحدهای مسکونی بود و موفق به دریافت حکم تخلیه آن‌ها شد. اما معلمان مزبور تمایلی به ترک واحدهای مسکونی نداشتند و با نوشتن عریضه به جعفر شریف امامی رییس مجلس سنا مدعی بودند که با وجود پرداخت اجاره‌بهای مقرر آن‌ها را به اتهام تصرف عدوانی مجبور به تخلیه محل مورد سکونت خود کرده‌اند. (کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۲: ۷۲۵)

در درستی این استدلال می‌توان به مورد کوی فرح^۴ نیز که برای کارکنان ارتش ساخته شد اشاره کرد که ساخت آن تقریباً با کوی نهم آبان همزمان بود. کوی فرح دومین کوی مسکونی بود که به وسیله بانک رهنی ساخته شد. عملیات ساختمان این کوی در سال ۱۳۴۲ شروع و در اواسط سال ۱۳۴۵ خاتمه یافت. این کوی زمینی بود به مساحت ۲۲۰ هزار متر مربع که به فاصله سه کیلومتر از کوی چهارصد دستگاه، به طرف شرق در اراضی سلیمانیه احداث شد. حداقل قیمت خانه‌ها از ۳۶ هزار و ۵۰۰ تومان و حداکثر قیمت آن‌ها از ۱۲۴ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد. نحوه فروش این خانه‌ها به این طریق بود که یک سوم قیمت خانه‌ها باید به بانک رهنی پرداخت می‌شد و مابقی مبلغ را هم به اقساط ماهانه در مدت ۱۵ سال واریز می‌کردند. (تلاش‌های عمرانی بانک رهنی ایران، ۱۳۵۰: ۱۱۳-۱۱۵) در این کوی مسکونی چون درآمد ساکنین با هزینه مسکن تناسب داشت، رقم جابه‌جایی چیزی حدود صفر بود. (مجموعه نویسندگان، ۱۳۷۴: ص ۶۲) بنابراین، با توجه به توضیحات بالا بیشتر ساکنین اولیه کوی نهم آبان که جزو فقیرترین افراد جامعه بودند، ترجیح دادند که افزایش بهای مسکن خود را صرف برآوردن نیازهای ضروری‌تر کنند و در مواجهه با مشکلات اقتصادی دوباره روی به زاغه‌نشینی آورند.

۶. نتیجه گیری

در میانه دهه چهل شمسی با گسترش زاغه‌نشینی و اسکان غیر رسمی در تهران و ناموفق بودن سیاست تخریب زاغه‌ها در کاهش ابعاد این مشکل اجتماعی، دولت کوشید به شیوه‌ای

دیگر و با ساخت مسکن برای زاغه‌نشینان در تهران بر این مشکل غلبه کند. ساخت کوی مسکونی کوی نهم آبان در سال ۱۳۴۴ مهم‌ترین اقدام دولت در این زمینه بود. در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ آلودک‌نشینان نواحی مرفه تهران به این کوی مسکونی انتقال داده شدند. با این حال، در اوایل دهه پنجاه شمسی اکثر ساکنان کوی نهم آبان، خانه‌های جدید خود را رها ساخته و دوباره به آلودک‌نشینانی روی آورده بودند. به عبارت ساده‌تر طرح عملاً با شکست مواجه شده بود. دلیل اصلی شکست طرح به وضعیت اقتصادی آلودک‌نشینان بازمی‌گشت. شغل‌های فصلی آن‌ها که منبع اصلی تأمین معاش خود و خانواده‌هایشان بود، پیوند نزدیکی با محل سکونت آن‌ها داشت و وجود این فرصت‌های شغلی به زندگی آن‌ها در جوار اقشار مرفه بستگی داشت. ولی در محل زندگی جدید خود، از یک طرف این امکان برای آن‌ها به علت فاصله زیاد کوی نهم آبان با آن مناطق از بین رفته بود و از طرف دیگر، زندگی جدید آن‌ها را با هزینه‌های جدیدی از قبیل آب بها، بهای برق، قسط واحد مسکونی، عوارض شهرداری و هزینه ایاب و ذهاب مواجه کرده بود که خارج از توان آن‌ها بود. بنابراین بیشتر ساکنین اولیه کوی نهم آبان که جزو فقیرترین افراد جامعه بودند، خانه‌های خود را با قیمت بالاتر فروختند و آن را صرف نیازهای ضروری‌تر کرده و دوباره روی به آلودک‌نشینانی آوردند تا بر پایه ابتکاراتی که خود در شهرها برای تأمین معاش‌شان پیدا کرده بودند، به زندگی‌شان ادامه دهند. امیدوارم این نمونه به قدر کفایت روشنگر این موضوع باشد که چرا توجه به کلیت زندگی فرودستان ضروری است و با راهکارهای آسیب‌شناسانه برای یک وجه یا وجوهی خاص از زندگی آن‌ها نمی‌توان بر کلیت مشکلات اجتماعی آن‌ها غلبه کرد. موضوعی که در نظر نگرفتن آن باعث شکست بیشتر طرح‌های تأمین مسکن برای گروه‌های فرودست شده و موجب شده است تا این کوی‌های مسکونی عموماً به محلی برای فعالیت‌های سودجویانه دلالان مسکن تبدیل شود.^۵

پی‌نوشت‌ها

۱. طرح اولیه این مقاله با مشخصات زیر در فصلنامه مردم‌نامه به چاپ رسیده است: عبدالمهی، محمدجواد (۱۳۹۹). «فرار از خانه‌های ساخت دولت: تجربه مسکن اجتماعی در تهران دهه چهل شمسی»، فصلنامه مردم‌نامه، ش ۱۲ و ۱۳. نوشته حاضر نسخه گسترش‌یافته این مقاله

مسکن اجتماعی و مهاجران زاغه‌نشین ... (محمدجواد عبدالمهدی) ۱۹۱

برپایه اسناد منتشر نشده آرشیوی است که به تازگی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و نیز کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است.

۲. کوی سیزده آبان کنونی.

۳. جاده آرامگاه سابق.

۴. کوی زینیه فعلی.

۵. شکست طرح مسکن مهر در سال‌های اخیر در زمینه تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری، آخرین نمونه از اجرای چنین طرح‌هایی است. (توکلی‌نیا و ضرغامی، ۱۳۹۷).

شیوه ارجاع به این مقاله

عبدالمهدی، محمدجواد. (۱۴۰۰). مسکن اجتماعی و مهاجران زاغه‌نشین: تجربه احداث کوی نهم آبان تهران در دهه چهل شمسی. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*. 11(2),

doi: 10.30465/shc.2022.39648.2301

کتاب‌نامه

اطهاری، کمال و همکاران (۱۳۷۴). *حاشیه‌نشینی در ایران: علل و راه‌حل‌ها*، گزارش مرحله پنجم: شهروند دانستن کم‌درآمدها، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، (چاپ نشده).

اندیشه، لیلیا؛ صلاح‌الدین خطیر (۱۳۵۲). *نمایی از جمعیت در کوی نهم آبان*، بی‌جا، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.

بیات، آصف (۱۳۹۱). *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران*، ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران، انتشارات پردیس دانش.

بی‌نا (۱۳۵۰). «تلاش‌های عمرانی بانک رهنی ایران»، هنر و معماری، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۱۰۹-۱۲۵

پاکدامن، بهروز (۱۳۵۳). *نحوه بررسی کوی‌های ساخته شده: مشخصات اهالی کوی نهم آبان قبل از اسکان*، بی‌جا، بی‌نا

پیران، پرویز (۱۳۷۹). «فقر و شورش شهری با نیم‌نگاهی به شرایط ایران»، در: رئیس‌دانا، فریبرز و همکاران، *قصر در ایران (مجموعه مقالات)*، ویرایش و تنظیم حسن رفیعی و سعید مدنی (قهفرخی)، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

- توکلی‌نیا، جمیله و سعید ضرغامی (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در زمینه تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، س ۷، ش ۲۷.
- جوادی، محمد هادی (۱۳۷۴). «گذشته چراغ راه آینده است: تجربه‌های دولت در خانه‌های ارزان نارمک، نازی‌آباد، کن، سیزده‌آبان»، در: دبیرخانه کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (به کوشش)، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد نخست)، سازمان میراث فرهنگی کشور
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۱). «حاشیه نشینی و فرآیند تحول آن قبل از انقلاب اسلامی»، هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۲-۲۴.
- خاتم، اعظم و همکاران (۱۳۷۷). طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن، بخش سوم مطالعات اجتماعی، ۳-۳- نظام اسکان در منطقه شهری تهران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، (چاپ نشده).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۳۹۵-۳۹۵؛ شماره ۴۶۸۷-۴۶۸۷؛ شماره ۳۹۵-۴۶۸۹؛ شماره ۳۹۵-۴۶۸۹؛ شماره ۳۹۵-۴۹۰۹؛ شماره ۴۹۱۰-۴۹۱۰؛ شماره ۳۹۵-۹۹۸-۲۵-۸۳۰
- طیبیان، منوچهر (۱۳۷۶). «ارزیابی پروژه شهر سالم در ایران: کوی سیزده آبان»، محیط‌شناسی، دوره ۲۰، شماره پیاپی ۱۰۸۳، صص ۶۱-۷۴.
- کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۲۵۲۰۱.
- لویس، اسکار (۱۳۵۳). فرهنگ فقر، ترجمه سید مهدی ثریا، «نامه علوم اجتماعی»، شماره ۴، صص ۱۲۴-۱۴۰
- مالجو، محمد (۱۴۰۰). کوچ در پی کار و نان: فاعلیت منفعلانه مستمندان آذربایجان از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ خورشیدی، تهران، انتشارات اختران.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۷۴). حاشیه‌نشینی: آثار و پیامدهای آن بر شهرها، پیوست گزارش مرحله اول (آشنایی با مدارک مکتوب شامل خلاصه‌برداری از تحقیقات انجام شده)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، (چاپ نشده).
- محققان آموزشگاه خدمات اجتماعی (۱۳۴۵). تصویری از اوضاع اجتماعی ساکنان کوی نهم آبان، تهران، انتشارات آموزشگاه خدمات اجتماعی.
- محمدی، ایرج (۱۳۹۰). اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷، مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری، تهران، خانه کتاب.

مسکن اجتماعی و مهاجران زاغه‌نشین ... (محمدجواد عبدالهی) ۱۹۳

مشهودی، سهراب (۱۳۵۵). نگرشی بر کارکردها و نارسایی‌های کوی نهم آبان، مقاله شماره ۴۲، تهران، سازمان برنامه.

هریس، کوان (۱۳۹۸). *انقلاب اجتماعی: سیاست و دولت رفاه در ایران*، ترجمه محمدرضا فدایی، تهران، انتشارات شیرازه کتاب ما.

یزدی‌زاده، رضا (۱۳۴۷). *کوی نهم آبان*، تهران، انتشارات امور آموزش اتحادیه شهرداری‌های کشور.

Ginzburg, Carlo, (2013). *The Cheese and the Worms: The cosmos of a sixteenth-century miller*, translated by John Tedeschi and Anne Tedeschi. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

Kazemi, Farhad(1980). *Poverty and Revolution in Iran: The Migrant Poor, Urban Marginality, and Politics*, New York: New York University Press, 1980

